

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال هفتم - شماره دوم - تابستان 1393 - شماره پیاپی 24

نسل سوم شاعران دانشگاهی و جایگاه آنها در ادبیات معاصر¹
(ص 233-250)

مظاهر مصفا²، محمد علی شفائی (علی آبان) (نویسنده مسئول)³

تاریخ دریافت مقاله: 1392/10/23

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

چکیده

شعر شاعران دانشگاهی از جمله سروده‌های قابل توجه و اعتناست که تا به امروز به صورت موضوعی به آن پرداخته نشده است. این مقاله که در ادامه دو نسل اول و دوم به نسل سوم شاعران دانشگاه اختصاص دارد، ضمن معرفی شخصیت، فکر، زبان و جوهره شعری شاعران این نسل همراه با نمونه‌ها و دلایل کافی نشان داده است که شعر نسل دانشگاهیان نه تنها نسبت به شعر دیگران عقب‌مانده است بلکه برخی از آنها، چند قدم پیشتر از دیگران قرار دارند.

نسل سوم با تغییر جهت ناگهانی در زبان و نگاه و محتوا نسبت به دو نسل قبل از خود، همگام با تحولات و تغییرات دوره مدرن در جهان دست به حرکت‌هایی در شعر زدند که هم خود ماندگار در تاریخ خواهند بود و هم تأثیر فراوان بر دیگر شاعران داشته و دارند.

نگارنده که خود از شاعران نسل سوم دانشگاهی به شمار می‌آید، با بسیاری از شاعران نسل سوم چه از لحاظ آثار و چه خود آنها، آشنایی و مطالعه دقیق و عینی داشته است و کاملاً بر آثار آنها اشراف دارد. به همین جهت تئوریه‌ها و بررسی‌ها نتیجه شناخت کامل از آنهاست. شاعرانی چون قیصر امین پور، سید حسن حسینی، حسن دلبری، امید مجد، صابر امامی، محمد رضا روزبه، محمدرضا ترکی، حمیرا زمردیان و....

کلمات کلیدی: شعر معاصر، شاعران دانشگاهی، نقد ادبی.

¹ نسل اول و دوم شاعران دانشگاهی در شماره پیشین همین مجله به چاپ رسید و این مقاله مربوط به نسل سوم است.

² دکتر مظاهر مصفا، استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

³ دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران، مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری با عنوان «شاعران دانشگاهی» است.

مقدمه

موضوع شاعران دانشگاهی که تا امروز با این وسعت و نگاه پرداخته نشده است؛ میتواند یک نگاه تازه و بکر به شمار برود. این مقاله به ادامه دو نسل اول میپردازد که در همین مجله وزین به چاپ رسید و اختصاص به نسل سوم شاعران دانشگاهی دارد.

نسل سوم حدود پنجاه سال پس از نسل اول ظهور کرد که همراه با شباهتها و اختلافهایی توانست راه جدیدتری را در زبان، شکل و محتوا رقم بزند.

اصلیترین شباهتهای نسل اول و سوم، ابتدا ظهور آنها پس از یک انقلاب است. نسل اول پس از انقلاب مشروطه و نسل سوم پس از انقلاب اسلامی و سپس احترام به سنت و قالبهای سنتی از وجوه اشتراک آنها به شمار می‌آید.

اما نسل سوم با تفاوت‌های آشکار نسبت به دو نسل پیشین توانستند از چهارچوب و متدهای پذیرفته شده دانشگاهی یا فراتر بگذارند و در مواردی با شاعران غیر دانشگاهی همسو و حتی الگوی آنها نیز بشوند.

فاصله گرفتن از قالب قصیده، استقبال از قالب سپید، توجه به موضوعات نوپدید مثل جنگ، دفاع، شهادت، عاشورا، مذهب و دین و اقشار گوناگون جامعه از اصلیترین تفاوت‌های این نسل نسبت به دو نسل قبل از خود است.

این رویکرد که در پی عوامل تاریخی و اجتماعی و ادبی اتفاق افتاد، در پی خود دو شاخصه زبانی و محتوایی را به همراه داشت. از نظر زبان، سادگی و توجه به زبان کوچه و بازار و از نظر محتوا، مفاهیم انقلابی و دینی شاخصه‌های مهم شعر این نسل است که هرچه از تب و تاب اولیه انقلاب و جنگ فاصله میگیرند، شعارزدگی و سادگی عوام‌پسندانه کمتر میشود و جای خود را به زبانی پخته‌تر و هنریتر و مفاهیم گسترده‌تری میدهد.

در مجموع نسل سوم دانشگاه، اولاً آسوده‌تر از قیود مورد احترام شعر سنتی فاصله میگیرند و ثانیاً سعی بر تغییر نوع جهان‌بینی و نگرش خود، نسبت به ادبیات و جهان و انسان دارند. و نکته دیگر این که در نسل سوم تشنه آرا و اشعار شاعران نسبت به دو نسل پیشین بسیار بیشتر است. در این نسل میتوان از نظر زبانی و فکری و ساختاری شاعران راحتی به چند گروه تقسیم کرد که در معرفی اجمالی آنها در این مقاله شاهد خواهید بود. شاعرانی چون قیصر امین‌پور، سید حسن حسینی، حسن دلبری، امید مجد، صابر امامی، محمدرضا ترکی، بهزاد خواجهات، حمیرا زمردیان، محمدحسین محمدی و ...

قیصر امین پور (1386-1338)

او سال 1338 در گتوند دزفول زاده شد. پس از اتمام دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در همان منطقه در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. اما پس از یک سال از این رشته انصراف و در رشته جامعه‌شناسی ادامه تحصیل داد و کم‌کم وارد انجمنهای ادبی بویژه «حوزه هنری» تهران شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته ادبیات دوره دکتری در دانشگاه تهران ادامه داد و در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران مشغول تدریس شد و نهایتاً هشتم آبان (1386) در تهران درگذشت. مجموعه آثار شعری او عبارتند از: در کوچه آفتاب، تنفس صبح، ظهر روز دهم، مثل چشمه مثل رود، آینه‌های ناگهان، گلها همه آفتابگردانند و دستور زبان عشق.

شاخصه‌های شعری قیصر

- شکل و قالب

امین پور در قالبهای گوناگون شعر سرود. غزل، دوبیتی، رباعی، نیمایی، سپید، مثنوی. از اشعار او در این قالبها میتوان پی به مهارت و تسلط او بر شعر و قالبهای متنوع برد. اما سروده‌های او در قالبهای غزل، دوبیتی، سپید و نیمایی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. شاعر با تأثیر از طبع لطیف و مهربانانه خود که قرابت زیادی با غزل دارد، غزل اندیش است. تا آنجا که این ویژگی در رباعیات و دوبیتی‌ها و حتی در شعرهای نیمایی و سپید او آشکار است. کتابهای تنفس صبح، آینه‌های ناگهان، گلها همه آفتابگردانند و دستور زبان عشق که از مهمترین آثار شعری او هستند، بیشترین شعرهای آنها در قالب غزل است و تنها یک کتاب «در کوچه آفتاب» مجموعه دوبیتی و رباعی است. اما گرایش او به دو قالب نیمایی و سپید از اواخر دهه هفتاد حائز اهمیت است تا آنجا که دغدغه او در دهه آخر عمر عموماً در این دو قالب به نمایش گذاشته شد.

- زبان

زبان قیصر چند ویژگی دارد که خلاصه‌وار چنین است: سادگی، حسی، توجه به اصطکاک و زبان روز، تکیه به زبان گذشته شعر فارسی، ترکیبات نو و سلامت زبان در نحو و لحن و بیان.

اشعار قیصر از اولین مجموعه‌تنفس صبح، تا آخرین مجموعه «دستور زبان عشق» به صورت مشترک از ویژگیهای ذکر شده برخوردار است؛ با این تفاوت که در اوایل مثل دیگر شاعران آن دوره زبان او از شعارزدگی و مستقیم‌گویی نیز به دور نیست اما رفته رفته که نگاه او در پرداخت موضوعات متنوع وسیعتر میشود، از شعار خارج شده به سمت شعر سوق پیدا میکند.

از ویژگی مشترک زبانی در تمام دوران شاعری او، بهره‌گیری از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی شاعر دارند. تلفیق این دست واژگان با واژگان سمبلیک و اجتماعی میتواند در آثار او به عنوان یک شاخصه مهم زبانی و سبکی محسوب بشود. در مجموع زبان قیصر، زبانی آرام، تلفیقی، تا حدودی سمبلیک همراه با نمک زبان گذشته و امروز و سالم و کم عیب است.

- محتوا و اندیشه

برای شناخت دورنمای آثار قیصر حداقل به دو دوره باید اشاره کرد. دوره اول که شاعر ناقل و حامل پیام انقلاب و جنگ است و دوره دوم که شاعر ترجمان و پیام‌آور دردهای خود و جامعه است. از نظر نگارنده در مجموعه آثار امین‌پور میتوان به چهار نگاه دست پیدا کرد که عبارتند از: بار حماسی، درام، اجتماعی و فردی. اشعار دوره اول او که مرتبط با پایداری و جنگ و حفظ ارزشهای وطن و دین است، درونمایه و لحن حماسی میگیرد. در اواخر همین دوره، امین‌پور از حس تهاجمی و تأکید بر پایداری و دشمن ستیزی فاصله میگیرد و نگاهی تلفیقی از دردهای جامعه و جنگ و اندوه شاعرانه خود پیدا می‌کند که اصطلاحاً شعرهایش ویژگی درام به خود میگیرد.

پس از این دوره مقارن با پایان یافتن جنگ، اشعار او در قالبهای گوناگون بویژه نیمایی و سپید رنگ اجتماعی میگیرد و دردهای مردم و جامعه جای آن شعارهای نسبتاً احساسی اولیه مینشیند و در نهایت اواخر عمر کوتاهش از من فردی که نماینده انسانهای جهان محسوب میشود، حرف میزند. با این وجود اندیشه و محتوای اشعار قیصر یک سیر تکاملی پیدا میکند که نهایتاً به انسان در معنی عام و جهانی ختم میشود.

- دید تازه و نوآوری

نسل سوم، نسبت به تمامی شاعران قبل از خود چه دانشگاهی و چه غیردانشگاهی با حرکت‌های تازه در دنیای ادبیات همسو شدند. عده‌ای با پذیرش زبان کاربردی در جامعه، عده‌ای با توجه به موضوعات تازه، برخی با استقبال از شکل و فرم بیرونی کم سابقه در شعر و برخی با پذیرش همه این موارد، جریان متفاوت و تازه‌ای را در وادی شعر خود رقم زدند.

تازه‌گوییهای قیصر در دو مؤلفه قابل ذکر است که او را با دیگر شاعران دانشگاهی دوره خود متمایز میکند. اول زبان آرام و عاطفی که تلفیقی از ساده‌ترین و قابل دسترس‌ترین واژه‌ها با واژه‌های سنتی‌تر و دوم، پرورش و احیای قالب نیمایی که بعد از شفیع کدکنی، امین‌پور با یک نگاه پویاتر و واقعیت‌تر به جامعه و جنگ و اعتراض، آن را تا پایان عمر خود ادامه داد؛ این توجه و عنایت به قالب نیمایی با یک نگاه و زبان واقعیت‌تر و ملموس‌تر میتواند از تازگیها و نوآوریهای او محسوب شود که در دیگر شاعران دیده نمیشود.

سید حسین حسینی (1335-1383)

فروردین 1335 در تهران به دنیا آمد. پس از اخذ دیپلم طبیعی، رشته تغذیه را در دانشگاه ادامه داد. اما کارشناسی ارشد و دکتری خود را در رشته ادبیات فارسی گرفت. به زبانهای عربی، انگلیسی و ترکی نسبتاً تسلط داشت. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد ورامین - پیشوا و استاد مدعو در دانشگاه الزهرا نیز بود. ترجمه و تحقیق از کارهای حرفه‌ای دیگر او کنار تدریس و شاعری بود. نهایتاً در فروردین 1383 مانند قیصر امین‌پور با ایست قلبی درگذشت.

آثار شعری او عبارتند از: همصدا با حلق اسماعیل، گنجشک و جبرئیل، نوشداروی طرح ژنریک، در ملکوت سکوت، سفرنامه گردباد.

شاخصه‌های شعری حسینی

الف - شکل و قالب

حسینی نیز از شاعرانی است که در قالبهای غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، سپید و کوتاه شعر گفت. اولین مجموعه شعر او همصدا با حلق اسماعیل، شامل غزل، مثنوی، رباعی و سپید است. مجموعه‌های گنجشک و جبرئیل و همچنین در ملکوت سکوت و نوشداروی طرح ژنریک در قالب سپید و شعر کوتاه و سفرنامه گردباد نیز دربرگیرنده غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی است. آنچه که باید در شکل و قالب اشعار حسینی گفت، علقه درونی او به قالبهای سنتی و همگامی با شعر نوپدید آزاد است که او را هم به شاعران پیشین پیوند میزند و هم شاعران هم عصر خود.

ب - زبان حسینی

در پی قالبهای گوناگون در اشعار حسینی بویژه دو شاخه سنتی و آزاد، زبان او نیز بیشتر دو بحث جداگانه دارد.

در قالبهای سنتی مثل غزل، مثنوی، دوبیتی و رباعی رویکرد شاعر به زبان گذشته مخصوصاً عراقی و هندی است. این دو شاعر را مراعات نظیر هم دانسته‌اند؛ سید حسن را بعد جلالی و قیصر را بعد جمالی نام داده‌اند که این ویژگی در زبان شعری آنها نیز آشکار است. زبان حسینی کمی ادیبانه‌تر و فخیمتر و حتی خشنتر است در حالی که زبان قیصر خلاف این ویژگیهاست.

در زبان حسینی بویژه اشعار سنتی، تلاش چندانی برای نوسازی در بافت زبانی صورت نمیگیرد و زبان آکادمیک و دانشگاهی بر آن سایه انداخته است.

اما در قالبهای سپید که زبان شاعر متأثر از زبان دانشگاهی است، نشانه‌هایی از برخورد شاعرانی چون شاملو و قیصر با زبان، در آن دیده میشود که اغلب در نوع بیان و لحن اتفاق می‌افتد.

از دیگر ویژگی‌های زبانی سیدحسن مثل قیصر، بسامد قابل توجه واژه‌ها و ترکیبات دینی و مذهبی است. این شاخصه هم به اعتقادات فردی شاعر و هم به بستر تاریخی و دینی روزگار او مربوط می‌شود.

ج - محتوا و اندیشه

بنمایه تمامی سروده‌های حسینی رنگ دینی و مذهبی دارد؛ ولی شاعر زیرکانه و آگاهانه آنها را در انتقال حرف‌های انقلابی، اجتماعی، عاطفی و عاشورایی بکار می‌گیرد.

محتوای اشعار حسینی را میتوان به سه بخش تقسیم کرد: 1- انقلابی؛ 2- اجتماعی و عاطفی؛ 3- آیینی. که در این ایمان سهم اجتماعی و عاطفی کمتر است. اشعار دوره اول او عموماً با نگاه بر جنگ، دفاع و شهادت است. رباعیهای او که در توصیف شهدا و رزمندگان سروده شده برای اهالی ادبیات هنوز آشنا و ورد زبان است. برخی از غزلیات و مثنویهای او بویژه در کتاب سفرنامه گردباد (پس از مرگ شاعر، قیصر امین‌پور جمع‌آوری کرد) درونمایه تغزلی و اجتماعی دارند که در اوج عاطفه و تغزل، از تیرگیهای زندگی فردی و اجتماعی نیز سخن می‌گوید.

اما چهره حسینی بعد از موسوی گرمارودی و طاهره صفارزاده در اشعار آیینی متمایزتر و منحصرتر است. مجموعه «گنجشک و جبرئیل» او کاملاً عاشورایی است و به امام حسین (ع) و یاران نزدیکترش می‌پردازد. معرف نگاه عاشورایی شاعر و شعر آیینی عصر حاضر است.

بطور خلاصه دورنمایه اشعار حسینی شهادت، جنگ، رزمندگان، عرفان، دین، دغدغه‌های فردی و شخصیت‌های دینی بویژه عاشورایی است.

د - دید تازه و نوآوری

معمولاً عده‌ای را نظر بر این است که نام قیصر و سیدحسن بزرگتر از شعرهایشان جلوه داده شده‌اند. اما از نظر نگارنده، گذشته از رسانه‌های مبلّغ در بزرگنمایی جهت منسوب داشتن برخی برای یک دوره حکومتی و تاریخی، این دو شاعر مسلماً ظرفیت بزرگ شدن را در خود داشتند. شاعرانی دیگر با آنها بودند و رسانه‌ها به نفع آنها گفتند و حتی خود تریبون رسانه در اختیار داشتند ولی چندپله فروتر جای گرفته‌اند. اما این دو شاعر به دلیل ارزشهای فکری و زبانی و همچنین مطالعات و تدریس ادبیات فارسی در دانشگاه توانستند از دیگران سبقت بگیرند.

نوآوری حسینی در دو مقوله قابل ذکر است. اول استفاده از زبان طنز اجتماعی در متن اشعار جدی خود که قبل از او در میان شاعران دانشگاهی با این ظرافت و لطافت اتفاق نیفتاد. «آن مایه فراست و ذکاوت، نکته‌دانی و حاضر جوابی و ... درک و دریافت» (سفرنامه گردباد، ص 10). اما تازگی قابل توجه و مورد اشاره صاحب‌نظران، سرودن اشعار آیینی در قالب سپید با یک مجموعه کامل توسط حسینی است.

در بین شاعران دانشگاهی چه قبل و چه پس از او چنین اتفاقی نیفتاد و همین سروده با این شکل و محتوا نوآوری برای شاعر به حساب می‌شود. کتاب «گنجشک و جبرئیل» با سی شعر سپید آئینی نام سید حسن را به عنوان پایه گذار شعر عاشورایی در قالب سپید معرفی کرد (ویژه نامه سید حسن حسینی، ص 34).

صابر امامی (1341-)

در کراب مردن به دنیا آمد. پس از طی مراحل تحصیلات در علوم گوناگون مثل سینما، ادبیات، نمایش و علوم حوزوی، مدرک دکتری خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز اخذ کرد و هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه هنر تهران است.

آثار شعری او عبارتند از: شانه‌ها و گیسوان، دایره‌های کوچک حوض، بر سنگفرش یاد، پرنندگان اساطیر، آیینه‌های دور و نزدیک و اینجا کسی نمی‌میرد.

شاخصه‌های شعری امامی

قالب شعری

صابر امامی در قالبهای گوناگون سنتی مثل غزل، مثنوی و رباعی طبع آزمایی کرد اما او را باید شاعر قالب آزاد و نیمایی دانست.

هرچند امامی در نقد و تحقیق و داستان آثار قابل توجهی نوشت، اما در محافل ادبی و حتی دانشگاهی به عنوان یک شاعر آزادسرا شناخته می‌شود.

قالب دیگر قابل توجه در سروده‌های امامی، نیمایی است که کارهای قابل توجهی در این قالب به صورت منظومه ارائه داده است.

زبان

صابر امامی در تمام سروده‌هایش در هر قالبی، خواه و ناخواه از زبان گذشته شعری ایران مدد می‌جوید که این گرایش در پی تدریس ایشان در دانشگاه بر متون کهن فارسی به صورت خودکار چون دیگر شاعران دانشگاهی اتفاق می‌افتد.

زبان شعر این شاعر در مجموعه‌های گوناگون و اشعار گوناگون چه در قالب نیمایی و چه آزاد یک زبان میانه و تلفیقی است. مؤلفه‌های زبانی او به طور مثال در شعر بلند «یوسف» همان است که در شعر فیضیه امام و دیگر آثارش. این وحدت زبانی در درجه اول میتواند بیانگر رسیدن شاعر به یک زبان منحصر به خود و حتی کمال زبانی باشد.

- محتوا و اندیشه

صابر امامی درس خوانده حوزه علمیه نیز هست و همین امر، خود، میتواند محتوا و اندیشه او را در اشعار تا حد چشمگیری آشکار کند. اما با این وجود او درس خوانده دانشگاه در رشته هنر و سینما نیز میباشد. محتوای آثارش اگر هم بعد معنوی و دینی و آیینی و انقلابی داشته باشد، مسلماً با دوربین نگاه متفاوت تر و روشنفکرانه تر به جامعه و هستی و شعائر دینی و انقلابی مینگرد. نگارنده که خود آثار زیادی از امامی را چه در خلوت و چه در جلوت شنیده و خوانده، زیرساخت اشعار او را معنوی و دینی و روستا ساخت اغلب آنها را عینیات اجتماعی و زندگی جاری انسانها دیده است.

در مجموع محتوای آثار امامی معنویت، دین، انقلاب، جامعه و اخلاق است.

- دید تازه و نوآوری

در کارنامه شعری صابر امامی سوای مضمون و زبان، سه مقوله موجب تمایز و تازگی اشعار او نسبت به دیگران و شاعران دانشگاهی نسل سوم است؛ اول، بکارگیری قالب نیمایی به شکل منظومه‌های بلند و روایی با موضوعی واحد که بین دیگران اتفاق نیفتاده و دوم ترکیب ویژگیهای نیمایی و سپید که شعر نه بی وزن است و نه موزون مطلق. سوم: منظومه‌های بلند با شکل امروزی که به نوعی «شعر قصه» محسوب میشوند.

حسن دلبری (1347-)

حسن دلبری سال (1348) در روستای دلبر از توابع شهرستان سبزوار متولد شد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و عالییه در دانشگاه و اخذ درجه دکتری، عضو هیأت علمی دانشگاه حکیم سبزواری شد. وی هم اکنون ساکن سبزوار است و کنار تحصیل و پژوهش به فعالیتهای هنری و در رأس آنها به شعر میپردازد.

دلبری علاوه بر آثار علمی و پژوهشی، تاکنون سه مجموعه شعر به نامهای «چشمان من جنون تماشا گرفته اند»، «پس لرزه‌های عشق و دو گام مانده به هم» را به دست چاپ سپرده است.

شاخصه‌های شعری دلبری

- شکل و قالب

وی در قالبهای گوناگون شعری طبع خود را آزمود و هم در قالبهای کلاسیک و هم غیر کلاسیک صاحب اثر است؛ اما از این میان قالبهای کلاسیک و بویژه غزل و مثنوی در شعرهای او بسامد بیشتری دارند و در این بین، غزل-مثنویهای او مورد استقبال ویژه‌ای واقع شده‌اند. این تنوع قالب در مورد تمام دفاتر شعری وی مصداق میکند و هر دفتر منحصر به قالبی خاص نیست.

- زبان

در حوزه زبان بدوی این که پشتوانه غنی شعر فارسی را به کباره کنار بگذارد و به اصطلاح از زبان معیار فاصله بگیرد، مؤلفه‌های زبانی عصر خود را در شعر بکار میگیرد. زبان دلبری در اشعار با دو نگاه به گذشته و حال یک زبان میاناً تلفیقی است، این شاخصه اصلیتین شاخصه زبانی شاعران دانشگاهی از نسل اول تا سوم در قالبهای سنتی به شمار میرود که این شاعر خراسانی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

دلبری بستر زبانی خود را بر ترکیب و نحو خراسانی ایجاد میکند اما با بهره گیری از واژه‌ها و ترکیبات امروزی بویژه سادگی بیان با آمیزش لحن حس و عاطفه، هم از خراسانی زدگی فاصله میگیرد و هم فضای متفاوتی به زبان شعرهایش میدهد.

چيست در گردش جادویی چشمت که هنوز	قلم فرشیچیان دور خودش میچرخد
تا به موسیقی پیچیده نامت برسد	روزگاری است بنان دور خودش میچرخد
جشن زاینده‌گی رود لب توست که باز	اصفهان با هیجان دور خودش میچرخد

این شاخصه زبانی یعنی میانه استوار و سازگار با ذوق مخاطب ایرانی در همه سروده‌هایش آشکار و به یک زبان مشترک و منحصر به شاعر تبدیل شده است.

در مجموع زبان دلبری یک زبان ملایم، عاطفی و منسجم و متمایل به زبان روز است و با خلق ترکیبهای متفاوت و استخدام واژه‌های متفاوتتر در ساختار کلامی شعر، زبان سروده‌هایش را شنیدنی و قابل لمس و لذت کرده است.

- محتوا و اندیشه

شبکه مفهومی شعرهای دلبری تک نگری و تک معنایی نیست. محتوای اشعارش چون قالبهای متنوع، دارای گوناگونی و تنوع است. عشق، عرفان، جامعه و آیین و دین دغدغه‌های اصلیتین شاعر به حساب می‌آیند.

حسن دلبری از منطقه خراسان است و عموماً شاعران خراسان فی نفسه تعلق درونی به شعائر دین و مذهب و باورهای دینی و آیینی دارند که این رنگ تعلق در اشعار آنان، همچنین حسن دلبری حتی در سروده‌های عاشقانه و اجتماعی قابل لمس است.

اما این شاعر در نوع نگرش و محتوا ناخواسته ذهن مخاطب آشنا را به سمت اشعار عاشقانه میکشاند؛ عاشقانه‌هایی که در فضا و جامعه امروز شاعران فاق میافتد و دور از دسترس و ذهن نیست. از دیگر ویژگیهای محتوایی شعر دلبری، نقد و انتقاد حتی گذرا به پیرامون و واقعتهای ناخوشایند جامعه است که گاه با زبانی آمیخته به طنز بیان میشود.

سی سال پیش رفت به ژاپن، دو روز پیش
دلخسته از شلوغی دلگیر توکیو
صاحب مغازه گفت که با اسکناس تو
اما مرا ببخش در این دوره میشود
برگشت یاد خانه سالهای پیش کرد
یاد صفای دهکده و سادگیش کرد
روزی گلاب هیچ، که می شد طلا خرید
تنها کمی «گلاب به روی شما» خرید
(شعرهای چاپ نشده)

- تازگی و نوآوری

هر شاعری که بتواند از بین این همه شاعران سرفراز آورد و خود را تا حد قابل اعتنا بشناساند، یقیناً حرکت‌های متفاوت و برجستگی‌های قابل توجهی در آثار خود به وجود آورده است. حسن دلبری هر چند زبان و نگرش میاناً تلفیقی دارد اما نسبت به نسل‌های پیش از خود و همچنین دوره خود خروجی‌هایی از هنجار و نرم معمول داشته و دارد. این خروجیها گاه در انتخاب فضای شعری و گاه در نوع زبان و گاه موضوع اتفاق می‌افتد که نمونه‌ها و مثال‌های آن در کتاب «شاعران دانشگاهی» در حد نیاز ذکر شده است. به عنوان مثال:

بعد از تو کشیده مینویسم شمشیر
بعد از تو شکسته مینویسم محراب

تصویر زبانی و هم سازگار از بعد تناسب و روابط بیناواژه‌ای حرکت جدید و تازه است. از تازگی‌های دیگر در اشعار او، توجه به پدیده‌های روستا و نوعی آرمان شهرنگری آن مقابل زندگی شهری است که البته قبل از او افرادی چون سهراب و سلمان هراتی و ... توجه داشته‌اند. ولی بین این همه شاعران شهر زده، توجه به آرمان‌های روستایی و اصالت از وجه عرفانی می‌تواند تازگی کارهای دلبری محسوب شود.

بهزاد خواجهات (1347-)

خواجهات در اهواز به دنیا آمد. با مدرک دکتری ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ماهشهر است.

او در شعر، نقد و تحقیق آثاری دارد که چهره او را بیشتر، اشعارش معرفی کرده است. چند پرنده مانده به مرگ، جمهور، مثل ارونند از در مخفی، بو نوشتن برای شرحی، از آثار شعری او هستند. دو اثر در نقد نیز دارد که عبارتند از: منازعه در پیرهن و رمانتیسیم ایرانی.

شاخصه‌های شعری خواجهات

- شکل و قالب

خواجهات چون اغلب شاعران ایرانی تجربه‌هایی در قالبهای متعدد بویژه رباعی، دوبیتی و غزل نیز داشته است، اما قالب مورد علاقه و جدی او آزاد یا سپید است. چهار مجموعه جدی شعرهای او در این قالب است.

- زبان

- زبان در اشعار خواجهات از اولین مجموعه، چند پرده مانده به مرگ (1378) تا آخرین مجموعه، بو نوشتن برای شرحی (1392) مراحل را پشت سر گذاشته که برجسته ترین این مرحله هنریت و پخته‌تر شدن آن است.

در کتاب اول او، هر چند سروده‌ها از مؤلفه‌های سوررئالیستی و عینیت‌های اجتماعی توأمان بهره میبرد. اما زبان آن سهل و ملموس است و نشان میدهد که شاعر بیش از آن بخواهد با استخدام واژه‌ها و ترکیبات پبله‌ای دور شعر خود بباد، بیشتر اهل برقراری ارتباط با مخاطب و اصطلاحاً آشتی با خواننده است.

این ویژگی در کتاب بعدی خواجهات یعنی «جمهور» به صورت خودخواسته و آگاهانه از انتخاب آشتی با مخاطب به سمت تراشکاری و معماری زبان متمایل میشود و به اصطلاح خود شاعر، در زبان به خانه تکانی دست میزند و ویژگیهای شعر آغاز دهه هشتاد را که همان حرکت‌های زبانی است سعی در اجرای آن در شعرهایش دارد. این روند، یعنی توجه به زبان و دشوارنویسی و ابهام بیانی در مجموعه سوم او، مثل اروند از در مخفی، ادامه دارد تا آنجا که خوانش و برداشت مفهوم را بر خواننده در مواردی از اشعار به تأخیر می‌اندازد که البته این خصیصه نمیتواند به نفع شعر و خوانندگاری و ماندگاری آن باشد.

کتاب چهارم شاعر «بو نوشتن برای شرحی» هر چند به گفته شاعر پایانی است بر دشوار نویسی او، اما همچنان رد پای پیچیده‌گویی در عموم اشعار این کتاب حس میشود. از ویژگیهای آشکار زبانی این مجموعه و تا حدودی مجموعه‌های پیشین تلفیق زبان امروز و گذشته و همچنین تلفیق زبان معیار و محاوره است.

- فکر حرام بود/ که روح چروک را قی کنم/ اشتی بسازم که شما با اتو/ زرتشت با آتش مشکیش/ نتوانستید، نتوانست (بو نوشتن برای شرحی ص 24).

پاسخ سؤالی دارد که نمیداند چه گونه، از که؟ / که تا من بیایم با ناز بودنم / گاو مش حسن را بجنابم در شما (همان، ص 13).

اصلاً خود مصر باشید / با یک ابوالهول شکسته در خود/ «بد پیر همینطور میزنه» / هی خالی میشه خشاب و هی بطری/ بد پیر، همینطور (همان، ص 21).

این ویژگی در سراسر اشعار خواجهات به عنوان یک شاخصهٔ زبانی حضور دارد که قیناً برخاسته از فکر و حس آگاهانه و از پیش تعیین شدهٔ شاعر است. در مجموع زبان خواجهات یک زبان کار شده و از مرحلهٔ تجربه گذشته است و نشان میدهد که شاعر زبان شعرش را رها نمیکند بلکه با مدیریت و تلاش درصدد ساختن یک زبان استوارتر و متفاوت است. اما با این همه، ویژگی حسی و شگفتی آفرینی زبان خواجهات که موجب ارتباط قویتر و کشش متقابل بین شعر و مخاطب میشود، در سروده‌های این شاعر چندان پررنگ نیست.

- محتوا و اندیشه

خواجهات شاعر دردهای شخصی و احساسهای فردی ابتر نیست؛ او نگاه خود را مانند دوربینی گزارشگر به تمام سطوح جامعه و مردم و تاریخ میچرخاند. عینیات اجتماعی در شعرش فراوان است. میتوان در کنار نگاههایی چون مذهب، تاریخ، معنویت، سیاست موضوع رنگ اجتماعی و درد انسانی را قویترین موضوع در محتوا و فکر او دانست.

- دید تازه و نوآوری

شاعران نسل سوم دانشگاهی از قیصر و سیدحسن تا دلبری و مجد و ترکی و امامی، دو وجه اشتراک با هم دارند. قالب شعری و دیگر استفاده از ظرفیتهای تجربه شدهٔ زبان سنتی و خلق فضایی آشنا در شعر با مخاطب. معمولاً این شاعران غزل را جز صابر امامی - در قالب سپید شعر میگوید - اصلیتترین قالب شعری خود میدانند و اگر سپید یا نیمایی گفته‌اند، فضای آفریده در شعرشان با مخاطب نسبتاً ارتباط راحتتری برقرار میکند.

بهزاد خواجهات از شاعران متفاوت نسل سوم دانشگاهی است که چون ضیاء موحد تنها در قالب سپید شعر میگوید و این یک تازگی بین شاعران دانشگاهی در سه نسل به شمار میرود که البته بحث تازگی است نه ارزشی.

نکتهٔ متفاوت و تازهٔ اشعار خواجهات، نوع بیان و لحن و خلق فضاهای مبهم و دیرپاب اوست. هرچند این تأخیر در ارتباط با مخاطب و دیرپایی مفاهیم و مقاصد شاعر میتواند عوامل قطع ارتباط خواننده و عدم اقبال تدریجی مخاطب را با اشعار او فراهم آورد، اما این ویژگی به صورت عامدانه و آگاهانه در سروده‌های او وجود دارد که در دیگر شاعران دانشگاهی به این شدت و غلظت دیده نمیشود.

و نکتهٔ دیگر تازگی و تمایز اشعار او نسبت به دیگر شاعران دانشگاهی تلفیق زبان معیار و محاوره در بعضی اشعار اوست که به شعرهایش رنگ اجرایی میدهد و خواننده میتواند مثل یک نمایشنامه‌داستان آن را اجرا کند.

نمونه‌هایی از قبل ذکر شده است.

در مجموع بهزاد خواجهات از شاعران قابل اعتنای نسل سوم دانشگاهی است که برخلاف تدریس آکادمیک در دانشگاه، نه تنها کلاسیک زده نیست بلکه با جریان‌هایی انس بیشتر دارد که در موازات نگاه‌های دانشگاهی قرار نمیگیرد، اما با این همه، خواجهات برای از دست ندادن مخاطب خود باید روند متفاوتتری نیز برای خود فراهم کند.

امید مجد (۱۳۵۰-)

امید مجد با آنکه خراسانی است ولی در سال (۱۳۵۰) در بروجرد دیده به جهان گشود. پس از طی مراحل تحصیلی و اخذ کارشناسی پتروشیمی از پلی تکنیک تهران به ادبیات روی آورد. در پی این علاقه، کارشناسی ارشد و دکتری ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران گذراند و اکنون در همین دانشگاه به عنوان هیأت علمی با رتبهٔ دانشیاری مشغول تدریس است. مجد قرآن، نهج البلاغه و صحیفهٔ سجادیه را به شکل منظوم ترجمه کرده و دیوان اشعاری نیز که دربرگیرندهٔ قالب غزل است از او چاپ شده است.

شاخصه‌های شعری مجد

- قالب و شکل اشعار مجد

امید مجد در دو قالب شعری طبع آزمایی کرد. مثنوی و غزل. کتابهای ترجمهٔ او هر سه در قالب مثنوی است. ترجمهٔ قرآن مجد در بحر متقارب و نهج البلاغه و صحیفه در بحر رمل سروده شده‌اند. دیوان اشعار این مترجم و شاعر در قالب غزل با وزن و بحرهای متفاوت که بحر رمل سهم جدی تر و بیش تری بین غزل‌های او دارد.

امید مجد دوبار قرآن را ترجمهٔ منظوم کرده است. یکبار در سال ۱۳۷۴ در هجده هزار بیت و بار دیگر در سال ۱۳۸۸ در چهارده هزار بیت که اشعار این دو ترجمه بطور کلی با هم متفاوت است. ترجمهٔ اول این منظومه تا سال (۱۳۸۸) به چاپ چهلیم و در مجموع به سیصد و بیست هزار نسخه رسید که درخور توجه و تحسین است. ترجمهٔ دوم نیز از سال ۱۳۸۹ تاکنون شش بار تجدید چاپ شده است در تیراژ سی هزار نسخه.

ترجمهٔ نهج البلاغهٔ مجد سال (۱۳۷۸) سروده و (۱۳۷۹) چاپ اول آن صورت گرفت که تا سال ۱۳۹۲ به چاپ دهم و بالغ بر پنجاه هزار تیراژ رسید. تعداد ابیات این اثر چهارده هزار بیت است. ترجمهٔ منظوم صحیفه سال (۱۳۸۴) سروده و سال (۱۳۹۲) به چاپ چهاردهم رسید که در مجموع بیست هزار نسخه از آن چاپ شد. تعداد ابیات این اثر پنج هزار بیت است.

دیوان غزلیات مجد با عنوان "یادگار بهار" نیز با 212 غزل و مجموعاً پنج هزار بیت سال (1386) چاپ شد.

- زبان

زبان امید مجد تکیه بر زبان اصیل شعر فارسی دارد. انتخاب قالب‌های صرفاً مثنوی و غزل به علاوه موضوع مناسبی و نگاه کلاسیک محور شاعر به عنوان استاد ادبیات خواه ناخواه فضا و حال و هوای زبان را در محدوده زبان تجربه شده‌سنتی حفظ میکند. زبان مجد در بین سه نسل شاعران دانشگاهی بیشتر متمایل به نسل اولیها است و این بدان معنا نیست که مجد به زبان امروز نرسیده بلکه او چون دیگر استادان هم فکر و هم نظر خود، اعتبار و اسکلت زبان را در شعر، ارزشهای تثبیت شده در اشعار بزرگان شعر دینی این مرز و بوم میداند.

ترجمه‌های منظوم مجد از نظر مؤلفه‌های زبانی، ویژگی مشترک دارند، چه در قواعد جانمایی و چه همنشینی، چه در نحو کلام و چه در ساخت واژگانی آن.

ویژگیهای زبانی سروده‌های مجد را در چهار ترجمه و دیوان غزلیات میتوان به اجمال چنین برشمرد: 1- تکیه بر زبان گذشته 2- سادگی در بیان به منظور انتقال معنا بویژه در ترجمه‌ها که این ویژگی متأثر از زبان سبک خراسانی است. 3- دوری از ساخت ترکیبات. 4- استفاده از واژه‌های ملموس و آشنا. 5- واژه‌های حسی و عاطفی که در سبک عراقی کارکرد فراوان دارند (در غزلیات شاعر). 6- استفاده از ویژگیهای زبانی آرکائیک که شاعر جهت حفظ معنا و امانتداری، هر چند ناگزیر اما موفق از آنها بهره میبرد. با چند نمونه کوتاه از اشعار مجد، ویژگیهای اشاره شده بدون توضیح کاملاً مشهود است.

در جوار خود به ما بخش احترام
هیچ پنهان نیست از تو هیچ کار
مینما، ما را مگردان شرمسار
بی نیاز از بخشش اغیار کن
(ترجمه صحیفه سجادیه، ص 31)

مبادا نمائید اهریمنی
همانسان که بر صالح و نوح و هود
که بر لوطیان قهری آمد به سوز
نمائید توبه ز هر لغزشی
(ترجمه قرآن، ص 233)

بر نبی و آل او بنما سلام
ای که اخبار است نزدت آشکار
بر نبی و آل او رحمت نثار
بخشش خود را تو با ما یار کن

چو دارید با من کنون دشمنی
وگرنه بیاید عذابی فرود
نه مدت زمانی گذشته هنوز
ز یزدان بخواهید آمرزشی

دختری دارم که از جان دوستتر میدارمش
چون ز من گردد جدا در سینه دارم اضطراب
چون که میخندد بدانم معدن شکر کجاست
نیست در زیبایی و پاکی کسی مانند او

گرچه گاهی ناخودآگاهانه می آزارمش
گرچه با دست دعا، دست خدا بسپارمش
چون بگرید، دور از او اشکی زجان میبارمش
همردیف قدسیان عرش میپندارمش

(دیوان غزلیات، ص 138)

کوتاه اینکه زبان مجد زبانی سالم و برآمده از مطالعه و شناخت زبان تجربه شده گذشته است و مخاطب برای ارتباط با آن دچار هیچ زحمتی نمیشود، اما با این همه براساس این زبان از نظر سبک شناسی به دلیل عدم شناسنامه زمانی در کارکرد واژگانی و نحوی و فضا سازی نمیتوان آن را به یک دوره خاص انتساب کرد.

- فکر و محتوا

هر خواننده‌ای با شناخت امید مجد و آثارش به آسانی پی میبرد که او دارای چه دیدگاه و فکری است. ترجمه سه اثر دینی و معنوی نه از سر تکلیف و اجبار بلکه صرفاً در پی علقه و تعلق درونی و اعتقادی جز از فکر و نگاه مغنویت‌گرا و دینمدار مجد حکایت نمیکند. حتی غزلهای این شاعر به مدد نیروی معنوی نهفته در جان و کلام او همچنین رویکردی به سبک عراقی و عشق و عرفان، درونمایه‌ای معنوی و انسانی دارد.

از بین شاعران دانشگاهی از نسل اول تا نسل سوم، یکی از مهمترین نقطه تمایز او از نظر محتوا، توجه و بسامد بالای دین‌نگری در سروده‌های اوست.

چه در ترجمه قرآن کریم با درونمایه معنوی و عرفانی و انسانی و تاریخی و تمثیلی و چه در ترجمه نهج البلاغه با محتوای ارزشی و دینی و ارشادی و عرفانی و چه صحیفه با موضوعات عرفانی و انسانی و عبادی و چه در غزلیات با موضوع اختیاری شاعر یعنی عشق، عرفان، انسان، همگی، دلالت بر آن دارند که آثار امید مجد با این محتواهای ارزشی و متعالی بیانگر متعالی اندیشی شاعر نیز هستند.

ناگفته نماند، امید مجد را نباید صرفاً شاعر موضوعات مناسبی دانست، چرا که او در غزلیات خود نگاهی متفاوت به جهان هستی دارد؛ هرچند این نگاه دنباله رو نگاه شاعران و عارفان گذشته ادبیات فارسی به شمار می‌آید، اما محل خواسته‌های عقلی، قلبی و انسانی در شعرها که ریشه در عشق و عرفان شاعر دارند، بیان میکند که مجد با یک دستگاه فکری اختیاری براساس عشق و عرفان به دنیا نگاه میکند هرچند او را از این نگاه بپرهیزانند.

طعنه زند ناصحم از سر خامی که هان
عشق رها کن پسر پند ادیبان نبوش

(دیوان غزلیات، ص 139)

- تازگی و دید تازه

امید مجد بعد از تفسیر منظوم قرآن توسط صفی‌علیشاه حدود دویست سال قبل، اولین کسی است که قرآن را منظوم کرد.¹ ترجمه منظومی که به چاپ چهل و ششم با تیراژ نهایی سیصد و پنجاه هزار نسخه رسید؛ اما با این همه شاید از نظر برخی مجد در این ترجمه‌ها، ناظم باشد نه شاعر. از نظر نگارنده که خود شاعر نسل سوم و حداقل دو دهه در کار نقد شعر و ادبیات حرفه‌ای مینویسد، حتی اگر مجد را بر فرض احتمال در این سه اثر ناظم هم برشمیریم، باز از ارزش او و کارهای او کاسته نمیشود، هرچند در بسیاری موارد در ترجمه‌های مورد نظر، او شاعرانگی کلام را به کمال نیز میرساند. نهج البلاغه و صحیفه که هر دو از ابزار ادبی مثل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و... بهره‌مندند، امید مجد سعی بر رعایت و بیان این موارد نیز داشته است و شعریت کلام را نادیده نگرفته است.

نکته مهم در چنین موارد، این است که رعایت امانت و سخن بویژه کتاب مقدسی چون قرآن که «تخیل» اصلی‌ترین ابزار شعری نیز نباید در ترجمه نفوذ و رسوخ کند، کاری است شگرف و در عین حال خطری بزرگ که هرکسی نه یارا و توان بلکه قدرت مواجهه با این خطر را ندارد. امید مجد خطر کرد و سربلند نیز بیرون آمد که البته با توجه به نوع و جنس کار مسلماً قدرت شعری و لوازم شعری را در حد کمال و خواسته شاعران و منتقدان نباید از این سه اثر متوقع بود. اما این آثار در نوع خود قابل تقدیر و اعتنا هستند و نگارنده اگر بخواهد تازگی و دید تازه امید مجد را جستجو کند، همین سه اثر بویژه ترجمه منظوم قرآن مجید نه تنها در بین آثار مجد بلکه دیگر شاعران دانشگاهی و غیر آن کاری تازه، متفاوت و قابل تقدیر میداند.

تا آنجا که حقیر مطلع است، مجد در ترجمه قرآن ابتدا به مطالعه دقیق انواع ترجمه‌های قدیم و جدید و حتی اختلاف آنها پرداخته و با شناخت کامل دست به این کار زده است و حتی به صنعت «ایجاز» البته نه از نوع مغل توجه داشته است. و در ترجمه نهج البلاغه به فنون بیانی و صنایع بدیعی موجود در اصل اثر وفادار بوده است.

بعد از مجد افراد زیادی به ترجمه قرآن روی آوردند که کسی نتوانست موفقیتی به دست آورد.

معرفی اجمالی دیگر شاعران نسل سوم²

- محمدرضا ترکی (1341-)

¹ منظومه تفسیر صفی‌علیشاه چنانکه از نامش پیداست "تفسیر قرآن" است اما منظومه امید مجد "ترجمه" است. بعنوان مثال سوره حمد در تفسیر صفی‌علیشاه 96 بیت و در ترجمه مجد تنها شش بیت است.

² تفصیل معرفی و بررسی اشعار این شاعران در کتاب «شاعران دانشگاه» به قلم نگارنده آمده است.

ترکی سال ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد. او شاعر، نویسنده و محقق و مترجم ادبی است که اکنون دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران است.

ترکی ضمن تحقیق و پژوهش، شعر را به عنوان یک هنر برتر جدیتر دنبال کرده است. عموم شعرهای او ضمن موضوع دفاع مقدس، بیان حکایات و داستانها و نکته‌های عرفانی و مذهبی و تا حدودی تاریخی است. او در قالب‌های گوناگون سنتی بویژه غزل و همچنین قالب آزاد شعرهای قابل توجهی دارد. کتاب شعر «خاکستر آینه» یکی از مجموعه شعرهای اوست.

- **محمد رضا روزبه (۱۳۴۲-)**

روزبه شاعر، محقق و منتقد ادبی در بروجرد متولد شد و اکنون دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه لرستان است.

روزبه شاعری خوش ذوق است و چهره او با غزل شناخته میشود. نوآوری و متفاوت گویی در کنار احساس لطیف از ویژگیهای شعری او به شمار میرود و در مجموع اشعار او را میتوان در ردیف سبک میانه‌ا نئوکلاسیک قرار داد.

- **حمیرا زمر دیان (۱۳۴۷-)**

زمر دیان پژوهشگر و شاعر که دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران است، نسبت به دیگر شاعران نسل سوم، بین مخاطبان حرفه‌ای و شاعران روزگار ما، هنوز شناخته شده نیست. علت این امر عدم حضور او در محافل شعری و یا عدم دسترسی اشعار او در جراید است. کارهای تحقیقی و تدریس او در دانشگاه بر آثار شعری او سنگینی میکند. دو دفتر شعری که به چاپ رسانده است نشان میدهد که حمیرا زمر دیان بر شعر و ظرایف آن کاملاً آشناست و برخی غزلیات او در پی طبع روان و تصویرهای نو به چند بار خواندن می‌ارزد.

- **محمد حسین محمدی (۱۳۴۵-)**

پژوهشگر و نویسنده و دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران است. او نیز چون همسرش، زمر دیان، در شعر کمتر شناخته شده است. کالبته فعالیت حرفه‌ای در زمینه شعر کمتر داشته است. ذوق شعری او را دکتر مصفا در مقدمه دفتر شعر حمیرا زمر دیان در موازات ذوق همسرش می‌ستاید (خلیج پارس چشمم، مقدمه)، اما محمدی به شهادت نگارنده که دوستی دیرینه با او و ذوق و استعداد او دارد، وجه شعریش را جدی نگرفت که اگر چنین میشد مطمئناً از چهره‌های قابل اعتنا در این نوع ادبی میتوانست باشد.

نتیجه

آن چه از نظر خوانندگان گذشت، بررسی و معرفی اجمالی شاعران نسل سوم دانشگاهی از دانشگاه‌های کشور است - برخلاف نسل اول و دوم که مربوط به دانشگاه تهران بودند - شاعران نسل سوم با تغییر چشمگیری که در انتخاب قالب و شکل و زبان و درونمایه سروده‌ها داشتند و دارند، نشان دارند که شعر اگر بدون پشتوانه فکری و فلسفی و اجتماعی سروده شود، به هنر متعالی ختم نمی‌گردد. امتیاز مهم شاعران دانشگاهی بیان تفکرات و مضمونهای متعالی و انسانی با ابزار شعر است. شاعران نسل سوم، نسبت به دو نسل قبل از خود با عنایت به اصالت ادبیات و شعر گذشته و حرمت به پیشینیان، وارد جامعه و زندگی و لحظه‌های مربوط به خود و مردم عصر خود شدند تا فرزند زمانه خویش باشند.

از ویژگی‌های خاص نسل سوم این بوده و هست که در محفلی خاص و آکادمیک زده به حضور و شعرخوانی خود قیام نمی‌کنند و نه تنها امروزه فاصله‌ای بین شاعران دانشگاهی و غیردانشگاهی نیست، بلکه در محافل گوناگون شعری حضور داشته و مورد احترام و اعتبار جلسه‌ها نیز هستند.

سخن کوتاه این که شاعران دانشگاهی بویژه نسل سوم با چاپ کتابهای قابل توجه و تأثیرگذار و حضور منتقدانه خود در محافل و دنیای شعر، ثابت کرده‌اند که شعر دانشگاهی دارای اعتبار و احترام بوده و دیگر شاعران نیز جهت رشد و تعالی میتوانند از شاعران دانشگاهی بیشتر بیاموزند.

منابع و مأخذ

1. بو نوشتن برای شرحی: خواجهات بهزاد، چاپ اول، تهران، فصل پنجم، 1392.
2. ترجمه صحیفه سجاده‌یه: مجد امید، چاپ دوم، تهران، پیک علوم، 1387.
3. ترجمه قرآن مجید: مجد امید، چاپ بیست و چهارم، تهران، امید مجد، 1390.
4. رسم شقایق (سوگنامه قیصر امین پور)، چاپ اول، تهران، سروش، 1386.
5. سفرنامه گردباد: امین پور قیصر، چاپ اول، تهران، انجمن شاعران ایران، 1386.
6. شاعران دانشگاهی: آبان علی، آماده چاپ.
7. شمشیر باستانی شرق: نادمی، سید احمد، چاپ اول، تهران، رسانه اردیبهشت، 1387.
8. ویژه نامه سید حسن حسینی: چاپ اول، تهران، حوزه هنری، 1384.
9. یادگار بهار دیوان غزلیات: مجد امید، چاپ اول، تهران، امید مجد، 1386.